



۲۰۱۷/۰۹/۱۸



واحد حیدری

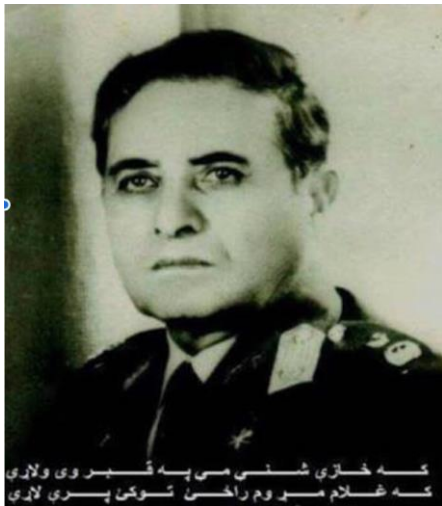


چو موران زیستن در خاک تا کی
تلاش دانه در خا شاک تا کی

قبای زندگانی چاک تا کی
به پرواز آی و شاهینی بیاموز

نگاهی مختصری به زندگی، شخصیت، و شهادت ارکان حرب برید جنرال عبدالعلی خان در دفاع از نظام جمهوریت و کلمت الله در روز سیاه هفت ثور

غازی ارکان حرب برید جنرال عبدالعلی در سال ۱۳۰۱ در قریه بوم ولایت وردک به دنیا آمد. وی فرزند محمد سرورخان و وی را چهار برادر برادر و شش خواهر بود.



این مرد با ایمان و صادق به وطن توسط مادری پرورش یافت که خود یک زن ممتاز و قابل احترام در بین قریه و قوم بود، مادر کلان مادری وی (بی بی بختوره) از جمله دختران کاکای شهید غازی محمد جان خان وردک بود که شجاعت این خانم مهمه در بین درباریان وقت ایجاد نموده بود. پدر کلان های مادری وی که از جمله بزرگان قابل رسوخ در قوم خود بودند، همه در یک شب در زمان امیر عبدالرحمن خان محبوس و به شهادت رسیدند.

شهید عبدالعلی خان بعد از اكمال دوره ابتدایی در وردک، شامل حربی بنونخی می شود و بعد از ختم دوره حربی پوهنخی وی در قطعات مختلف اردو به حیث سپاهی صادق به خدمت وطن می پردازد. شهید عبدالعلی بعد از رسیدن به رتبه بریدمنی برای تحصیلات عالی برای یکسال به هند و شش ماه به مصر سفر میکند و بعد از تکمیل این دو دوره تحصیل، به رتبه جگتورن ترفیع مینماید.

استعداد، لیاقت و زحمت کشتی وی باعث گردید تا توانست در رتبه جگتورنی بورس ارکان حربی را در ترکیه حاصل کند و بعد از تکمیل

چهار سال تحصیل و اخذ سند ارکان حربی دوباره بوطن برگردد و به رتبه دگرمن در حربی پوهنتون به حیث قوماندان توپچی به ایفای وظیفه مپردازد. مدتی بعد با رسیدن به رتبه دگروال به ایالات متحده امریکاه برای دوره کوتاه تحصیلی سفر میکند. وی پنج سال در فرقه ریشخور به حیث رئیس ارکان و بعداً به حیث قوماندان فرقه پکتیا تا سال ۱۳۵۲

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

ایفای وظیفه مینماید. وی در سال ۱۳۵۳ بعد از ارتقاء به رتبه جنرالی اولاً" به حیث رئیس تعلیم و تربیه وزرات دفاع و بعداً" به حیث رئیس ارکان قوای مرکز در خدمت وطن بوده.

از جمله کار های ممتاز وی خاموش کردن جنگ دو قوم طبری و کوچی بود که با تلاش های وی به صلح دائمی بین اقوام دخیل انجامید و در همان سال تعرض پاکستان را در قسمت شمشاد با استفاده از از غند ۶۹ اردو به عقب راند و در زمان جمهوریت توانست امکانات تحصیلات عالی را در هند و مصر برای افسران جوان اردو آماده سازد. خدمات دیگر قابل یادآوری وی، طرح پلان دفاعی از احتمال حمله پاکستان به افغانستان، سرکوبی اغتشاش پنجشیر که سر انجام به ناکام شدن دسیسه پاکستان مبدل شد، و طرح پلان دفاعی کابل و ارگ در صورت احتمال اشغال قوای اجنبی بود.

شهید عبدالعلی خان در دسپلین، زحمت کشی، صداقت و پاک نفسی در فامیل و اردو جایگاه و مقام خاصی را به خود اخذ کرده بود. وی در پهلوی وظیفه عسکری در تجارت نیز مصروفیت داشت و با داشتن يك اعزاده موثر سرویس و يك ورکشاپ ترمیم ان زندگی و میشعت را از روزی حلال به پیش می برد و دست کمک وی همدست آنانی بود که از وی طالب کمک میشدند. داستان ها زیادی از وی درج خاطره ها است که خارج از این بحث است. شهید عبدالعلی خان مردی قد بلند، در نهایت خوش قیافه و خوش صحبت بود. با وجود جدیت و دسپلینی که وی را در نظام عسکری مشهور ساخته بود، قلبی آکنده از مهربانی و مملو از لطف و صفا در سینه اش می تپید. اعتقاد وی به ذات حق و عشق وی به علم و پیشرفت وطن در وجود وی همانند شمعی روشن بود. جوانان فامیل را به علم تشویق مینمود و از الحاد و مفکوره های وارد شده تنفر داشت. در دهه دیموکراسی که تهداب بدبختی های را به دهه های بعدی وطن به جا گذاشت از بی عدالتی و اوضاع خراب اردو شکایت داشت و این ناهنجاری شهید عبدالعلی را آنقدر مایوس ساخته بود که وی تصمیم به استعفی از اردو می گیرد. پیام این تصمیم وی به شهید محمد داود می رسد و شهید محمد داود ادامه خدمت را به ایشان توصیه مینمایند.

در این جا لازم می بینم که تا توجه خوانندگان را یکبار دیگر با نگاهی مختصر به اوضاع قبل از تحول جمهوریت **برگردانم.**

دهه دیموکراسی و آزادی احزاب، نبودن استخبارات دقیق، زمینه را برای بی ثباتی افغانستان آماده میسازد و دستگاه های استخباراتی غرب و شرق به عوض مشوره و همکاری در پروژه های امدادی، به کار هسته گذاری استخباراتی و تقسیم منافع مبدل میگردد.

در سال ۱۹۶۳ برژنیف که عضو کمیته مرکزی شوروی بود به کابل سفر می کند و همزمان به ان هیئت پاکستانی وارد کابل می شود. قاضی حسین احمد عضو جوان جماعت پاکستان در این هیئت شامل بود که وی اولین هسته حزب اخوان المسلمین را به اساس مفکوره سلفی خارج شده از مدارس مودودی بنیان گذاری میکند و از این برمیآید که شرق و غرب باهم به تفاهم رسیده بودند و صرف در تقسیم غنیمت رقابت داشتند. قرار نظر مورخین، در آخر دهه دیموکراسی بین هفت تا هشت هزار محصل در شوروی مصروف تحصیل بودند و هشتصد تن از اعضای حزب دیموکرتیک خلق در اردو جا بجا شده بودند. تعداد مشاورین شوروی به بین ۷۵۰ تا ۸۰۰ تن رسیده بود. دیپلمات های غربی از عدم کنترل این محصلین و تعداد مشاورین شکایت داشتند که حکومت وقت اصلاً" توجهی به آن نداشت. شرق و غرب هر چه دل شان میخواست ازادانه عمل میکردند. (ملك بی صاحبی همچون امروز).

اوضاع خراب اجتماعی دهه دیموکراسی را لوی دوپری در کتاب خود Afghanistan بسیار صادقانه خلاصه میکند "president Daoud Khan will probably feel little sympathy for the five to six thousand hippies residing in Kabul. These foreigners intensified the drug problem in Afghanistan many folds and brought the country into international smuggling networks"

با تحول بنیادی جمهوریت شهید محمد داود مثل آنکه طفلی را از غرق شدن نجات بدهد، در صدد کنترل نفوذ شوروی و غرب در افغانستان برآمد.

اولین وظیفه شهید عبدالعلی خان در دوره جمهوریت ریاست تعلیم و تربیه وزارت دفاع بود، شهید محمد داود از وی خواست تا راه تعلیم و تربیه را برای صاحب منصبان اردو در هندوستان و مصر آماده سازد. شهید عبدالعلی خان سفر

د پانوی شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

های به مصر و هندوستان داشت و راه بهتری را برای تربیه صاحب منصبان اردو آماده ساخت و کنفرانس های در هند و مصر برای تربیه اردو آماده و آغاز گردید.

بعد از خنثی شدن کودتاهای نافرجام صادر شده از پاکستان، نظامیان پاکستان پلان تسخیر جلال آباد را طرح میکنند، چیزیکه راجا آنور آنرا ادعا دارد. در این زمان نویسنده به یاد دارد که به هدایت رئیس جمهور شهید عبدالعلی سفر های به شینوار و کنر داشت.

رئیس دولت از دو نقطه سوق الجیشی یعنی کنر و شینوار در تشویش بود. و جنرال عبدالعلی موظف شد تا پلان دفاعی خود را آماده کند. وی بعد از مطالعه دقیق منطقه پلان خود را به رئیس دولت تقدیم کرد و به اساس همان پلان فرقه جلال آباد از جمله مجهزترین قوای دفاعی آن وقت درآمد.

وی از مشاورین روسی شکایت داشت که اکثراً "مأمورین استخبارتی اند تا مشاورین فنی اردو در یکی از سفر های شهید عبدالعلی خان به شینوار در مرکز غنی خیل، ضیافتی برای هیأت نظامی ترتیب شده بود و در وقت صرف غذا، عبدالعلی خان به مهماندار گفت: " اول به این مشاوران بده که به هیچ هم نمی فهمد".

رئیس دولت با آگاهی کامل در مورد مشاورین تا سال 1356 تعداد مشاورین روسی را با احتیاط بسیار به 300 مشاور تقلیل داد، و با مطالعه نوشته ها میتوان گفت که بعضی از مفسرین از اخراج 40 مشاور در يك بار و 200 مشاور در بارهای دیگر ذکر نموده اند.

در جریان کنفرانس ها و مسافرت های مختلف شهید عبدالعلی از افراطیون چپ و راست به خواهر خود درد دل مینمود و برای آینده جمهوریت و استقلال وطن نگران مینمود و روی همین نگرانی بود که وی پلان دفاعی کابل را ترتیب و به رئیس دولت پیشنهاد نمود، ولی مورد قبول واقع نگردید. چنین به نظر می رسد که شهید محمداود زیاده تر از از تجاوز شوروی در هراس بود که مباد کابل همچون پایتخت کشورهای هنگری و رومانی تخریب نگردد و هزاران هزار مرد و زن و طفل این ملت دران اسیر نبینند. به این موضوع یعنی تشویش رئیس دولت از هجوم شوروی به شهر کابل در مصاحبه محترم جنرال پاچامیر توضیحات داده شده.

قرار نوشته مرحوم عبدالصمد غوث در دوهمین سفر اولین ریس جمعورافغانستان به پاکستان در حال ملاقات با رهبران ازادخواه پشتون و بلوچ که تازه از بند رها گردیده بودند، خطاب به حظار، مصراعی از اقبال را به احساسات بلند سرود که حتی به گفته عبدالصمد غوث برای وی هم تعجب آور بود چون ان شهید فطرت خاموش داشت.

**ملت افغان در ان پیکر يك دل است
از گشاد او گشاد اسيا**

**اسيا يك پیکر اب و گل است
از فساد او فساد اسيا**

عبدالصمد غوث این کنایه شهید محمد داود به حکومت و مردم و پاکستان می داند که شوروی در فکر رسیدن به اب های گرم است اگر افغانستان نباشد پاکستان هم بقای ندارد و لازم است باهم برادر باشیم و تاکید میکند صلح و ثبات هر دو کشور باهم گیره خورده است.

بروز کودتاه سیاه ثور، بعد از شنیدن خبر بی بی سی و احتمال کودتاه کمونسیتی و گرفتاری سران و خائنین خلق و پرچم خطر هجوم مستقیم و یا غیر مستقیم شوروی قابل پیشبینی بود.

به روز ۷ ثور بنده در جلال آباد با محترم امین الله حیدری (حکمران وقت در شینوار)، نزدیک ظهر بطرف کابل در حرکت شدم. به منطقه درونته نارسیده متوجه عبور قطار های زره دار بطرف کابل گردیدیم. با رادیویی کوچکی که داشتیم نتوانستیم صدای رادیوی کابل را بشنویم و استیشن رادیو خاموش بود. لذا تصمیم گرفتیم که دوباره به شهر جلال آباد برگردیم. در قسمت قوماندانی امنیه جلال آباد محترم امین الله حیدری با شهید الحاج عبدالخالق رفیقی والی جلال آباد تلفونی تماس برقرار نمود. ایشان اظهار داشتند که نظر به تقاضای رئیس دولت قوای کمکی به کابل فرستاده شده و فعلاً "حیدری باید به شینوار برمیگشت و منتظر هدایت مینماند و من بعد از رسیدن به خانه در جلال آباد، خود را به هتل اسپین غر رساندم تا از طریق تلفون به کابل با مادرم در تماس شوم. مادرم مرا از کودتاه در کابل مطلع ساخت و برایم مشوره داد از خانه در جلال آباد بیرون نشوم. در راه خارج شدن از هتل اسپین غر متوجه يك موتر و لگه روسی با دو سرنشین يك مرد جوان و قوی هیکل موی زرد و خانمی جوان موی زرد (یا تبعه روسی و یا غربی) در مدت ۱۵ دقیقه سه بار با سرعت بسیار کم در پیش هتل عبور کردند و چیزی جالبتر از ان هم آنتن (antenna) بالای موتر

د پانوی شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شان بسیار بلند در احتزاز بود. در این شکی نداشتم و ندارم که این دوتن اتباع خارجی در حالت انجام وظیفه بس مهمی بودند.

شهید رفیعی والی جلال آباد قبل از کودتاه ثور در بیانیه ای به روز گل نارنج، در آغاز سال ۱۳۵۷ خطاب به مردم ننگرهار گفته بود که اعضای حزب خلق و پرچم با مفکوره الحادی و خارجی خود خطری اند برای تمامی ارزش های افغانی و اسلامی و هم استقلال کشور. وی درین بیانیه اینرا هم بیان نموده بود که "لعنت به ان مادری که چنین طفلی را به جامعه تقدیم کرده باشد".

شهید رفیعی قرار معلومات با رسیدن قوای زره دار فرستاده به سروبی همراه با جنرال یونس خان به شهادت می رسند. زمانیکه کمونیست ها فرقه جلال آباد را سقوط می دهند، به قوای فرستاده شده به کابل که به سروبی رسیده بودند، امر بازگشت داده می شود.

فاصله وقت بین رابطه تلفونی ما با شهید رفیعی و رسیدن قوای زره دار به سروبی که به طرف کابل در حرکت بودند و برگشت من به جلال آباد و قدم های من از خانه تا هتل سپین غر و تلفون به کابل و دیدن ان دو افسر اسخبارتی شوروی شاید بین يك الی دو ساعت گذشته باشد، این همزمان است با قتل و شهادت والی و قوماندان فرقه و انجام کودتاه در جلال آباد.

امروز که تقریباً ۴۰ سال از آن وقت میگذرد، بنده هیچ تردیدی ندارم که این دو افسران خارجی کلید و امر کودتاه را در دست داشتند.

روز بعد با رسیدن به کابل از مادرم طالب احوال کودتاه گردیدم. مرحومه بی بی حاجی صباح حیدری فرمودند سه بار با برادرم شهید عبدالعلی خان تلفونی تماس گرفتم. بار اول در شروع که راجع به کودتاه از وی پرسیدم، وی گفت "قادر سگ با من تماس تلفونی برقرار نمود واز من تقاضا نمود که تسلیم شوم. برایش گفتم سگ کمونیست گوشی تلفون را بگذار". مادرم ادامه داد که برادرش مطمئن و امیدوار مینمود، ولی از وزیر دفاع شکایت داشت که چرا مرکز قوماندان را رها کرده.

بار دوم وقتی قطعه مهتاب قلعه قرار معلوم به قوماندان خلیل مشهور به سگ باز، قوای مرکز را زیر آتش گرفت، باز برایش تلفون کردم مصروف نان خوردن بود و گفت: "دو طیاره کمونیست ها را سقوط دادم و دو پیلوت شان با من محبوس اند". برایش گفتم اعدام شان میکنی؟ گفت: "نه این ها گول خورده اند، برایشان نان دادم." وی اضافه نمود که: "وزیر دفاع آمده بود برایش گفتم ببین این اردوی است که خود ساختی و پلان دفاعی مرا قبول نکردی. وزیر دفاع دوباره به ریشخورد رفت." برادرم برای اطمینان داد که در زیر زمینی مصئون جا دارد.

بار سوم قبل از آنکه لین های تلفون قطع شود با وی تماس گرفتم، ولی این بار صدایش مایوس به نظر میرسید. برایم گفت: "اگر صبح کمونیست ها شکست خوردند، خودم پیشت می آیم، در غیر ان کلید الماری را به دست درپور خود می فرستم، و اگر آنها نشد، الماری اطاقم را بشکنید و مقدار پولی که آن موجود است ممکن تا دوماه خرج خانه را برای فامیلم تمویل نموده بتواند."

شهید عبدالعلی خان در ان شب سیاه بعد از اخذ خبر و مطالعه دقیق کودتاه، پلان خنثی نمودن کودتاه را طرح مینماید و برای دفاع از خاک وطن آماده میشود. وی قوای منظمی را آماده میسازد و انرا به قوماندان ارکان حرب دگروال دستگیر خان وردک برای دفاع از ارگ می فرستد. اما دگروال دستگیرخان در قسمت دیمزنگ یا از عدم شناخت و وطنفروشان ویا ترس از مرگ تسلیم می شود.

بنده در زمان مقاومت در اسلام اباد آنگاهیکه دگروال دستگیر خان برای اجماع قوماندانان جهاد از وردک آمده بود از ایشان پرسیدم که چه باعث تسلیمی ایشان گردید؟ وی ادعا نمود که "مرا کمونیستان بازی دادند و من شناختی درستی از کمونیستان نداشتم." والله اعلم.

کوچکترین دختر شهید عبدالعلی خان قبل از سقوط لین مخابرات از پدر خواست تا دست از مقاومت بکشد و خود را نجات بدهد اما پدر در جوابش گفت "من سپهسالار صالح محمد خان نسیتم، من اولاده محمد جان خان غازی ام و همچون جد خود تا اخرین قطره خون مقاومت خواهم نمود".

مادرم اضافه کرد که صبح درپور ایشان کلید را برایش آورد و هم برایش خبر داد که: صبح روز هشت ثور شهید عبدالعلی خان قوای تازه ای برای مقاومت علیه کمونیست تشکیل کرد اما افراد وفادارش انرا انتحار تلقی کردند. از

د پاپو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

احوال و سقوط کامل قطعات برایش اطلاع داندو در عین زمان وزیر دفاع و لوی درستیز هم نامیدانه از ریشخو
برگشته بودند.

حیات اله حلیم در کتاب مشاهیر وردک مینویسند که:
شهید عبدالعلی از دراپور خواست تا موترش را بیاورد، و هم به قوماندانهای وفادار خود گفت: " از من دور شوید و
خود را نجات بدهید".

وزیر دفاع، لوی درستیز و رئیس ارکان قوای مرکز به باغی در نزدیکی دارالامان پیاده میشوند . بعضی از راپور ها
حاکمی از آن است که وی زخمی شده بود و اصرار داشت خود را به وردک برساند تا از آنجا جهاد را آغاز کند، ولی
وزیر دفاع از وی خواست شب را در آن باغ سپری کنند. پسر باغبان که تصادفاً از جمله حزبی ها بود، به کودتاچیان
از موقعیت شان اطلاع میدهد و همه دستگیر میشوند.

بعداً " کمونیستان آنها را به پلیگون انتقال می دهند که در آن جا وزیر دفاع به شهادت می رسد و شهید عبدالعزیز خان
و شهید عبدالعلی خان به زندان پلچرخ منتقل می شوند.
مشاورین روسی و رهبران حزبی به این عقیده بودند که عبدالعلی خان با پلان مقاومتش کودتاه را به ناکامی کشانده بود
ولی موعف نگردید و این سرباز وطنپرست به روز کارگر در پلیگون به عمر ۵۵ سالگی به شهادت می رسد.

شهید عبدالعلی خان از آن افسرانی بود که به قسم خود برای دفاع از میهن وفادار ماند و تا آخرین رمق حیات در دفاع
از استقلال وطن و کلمت الله افتخارانه جنگید . او فرزند وطنش بود و با شرق و غرب پیوندی نداشت که دستگاه
جاسوسی شرقی و یا غربی اعتراضی بر کشته شدنش بنماید، او همسان آن هزاران هزار شهید دیگر وطن است که نشانه
ای از کجا بودن خاک وی وجود ندارد. ولی جایگاه یاد این سرباز از جان گذشته در قلوب باز مانده گانش و صفحات
تاریخ وطن اش همیشه جاویدان است. آفریدگار روح این شهید عالیقدر و همه شهدای روز سیاه هفت ثور، شهدای جهاد
و آزادی افغانستان عزیز را شاد داشته باشد.

**نسازد جز به بوهاي رمیده
قبائي دارد از رنگ پریده**

**که تقدیرش بدست خویش بنوشت
که دهقانش برای دیگران کشت**

**چراغي از چراغ او بر افروز
که نتوان زیستن بی مستی و سوز**

**هر آن قومي که مي ریزد بهارش
ز خاکش لاله مي روید ولیکن**

**خدا آن ملتي را سروري داد
به آن ملت سرو کاري ندارد**

**ز رازي حکمت قرآن بیاموز
ولي این نکته را از من فراگیر**

از صدای وطنپرستان و سرپرستان محافظ مادر وطن افسانه ها بجا مانده و اوراق تاریخ در زنده نگهداشت آن افسانه ها
با قطره های اشک شسته خواهد شد.

از شهید عبدالقدیر نورستانی وزیر داخله حکایت است که ان در شب هفت ثور به صدای بلند می گفت تا روز جمعه باید
مقاومت کنیم تا که به روز جمعه به دربار حق برسیم این است مفهوم وطن پرستی. این است مدافعین واقعی استقلال و
کلمت الله که جان های عزیز خود را در دفاع از دین، خاک و نوامیس ملی فداع کردند.

**خدايزو لاليه بی نگی ته دي ساتينه
چی شینکی باغ کی گل گلاب و شمرموینه
په تار د زلفو به کفن روته گنیمه**

**که په میوند کی شهید نشوی
خال د یار د وینو کیزدم
آشنا می سر په وطن کشود**

References

1. Afghanistan Louise Dupree

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

2. سقوط افغانستان عبدالصمد غوث
 3. The tragedy of Afghanistan Raja Anwar
 4. The future of Pakistan Cohen p Stephen Foreign policy at Brookings
 5. د وردگو مشاهير حيات الله حليم
 6. Modern Afghanistan by Amin Saikal



د پانو شميره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ